

آغاز سال تحصیلی و افزایش فشارها بر دانشجویان



مردم است و می افزاید دولت به جای اینکه به وضعیت مردم سامان دهد و در سیاست ها روش خود تجدید نظری کند، به برخورد با منتقدین روی می آورد. احمدی نژاد روزیستم آذر ماه سال ۱۳۸۵ در حالی به دانشگاه امیر کبیر قدم گذاشت که با اعتراض شدید دانشجویان مواجه شد. اعتراض ها تا آنجا پیش رفت که دانشجویان معترض عکس رییس جمهوری را سوزاندند. با اینکه محمود احمدی نژاد بار ها در آن جلسه از مسئولان دانشگاه امیر کبیر و وزارت

تأم نهادهای مدنی تمیل کند، دانشگاه هم از این قانون مستثنی نبود. در سیاستهای کلی دولت هیچ انتقادی از سوی مخالفان بر تابیده نمی شود در دانشگاهها همین اتفاق افتاد و با دانشجویان و اساتید مستقل برخوردهایی صورت گرفت و سعی شد داشت دیدگاه انتقادی از سطح جامعه و دانشگاه پاکسازی شود. برخورد با دانشجویان و جامعه دانشگاهی به دلیل ضعف دولت محمود احمدی نژاد در پاسخگویی به مطالبات اجتماعی اقتصادی و سیاسی

دانشجویان و بر خورد با اساتید دگر اندیش برای نخستین بار در سال تحصیلی گذشته روی داد نزدیک به ۵۰ تن از دانشجویان به دلیل اینکه مشمول طرح ستاره دار شدن دانشجویان شدند از ادامه تحصیل در سال تحصیلی جدید بازماندند که هنوز هم مشکلات آنها ادامه دارد.

همچنین ۴۳ تشکل دانشجویی منحل یا تعلیق شدند و یا به طور موقت از ادامه فعالیت آنها جلوگیری به عمل آمد اساتید زیادی هم از ادامه تدریس منع شدند و در برخی موارد شاهد اخراج چند تن از اساتید هم بودیم مجموع این موارد نشان می دهد که برخورد های صورت گرفته با جامعه دانشگاهی ایران افزایش پیدا کرده اما هم اساتید وهم دانشجویان همچنان به انتقادات خود ادامه می

دهند با این حال برخی از فعالان دانشجویی معتقدند اتفاقاتی که در سال تحصیلی گذشته رخ داد، سیاست دولت محمود احمدی نژاد برای هسمان سازی تمام نهادها بود. برخورد با دانشجویان تنها منحصر به جامعه دانشجویی نبود و دولت نهم ابتدا سیاست خود را بر این گذاشت که تمام نهادها را یکسان و یکپارچه سازد و خط فکری خود را به

سال تحصیلی جدید در حالی آغاز می شود که تعداد زیادی از دانشجویان براساس طرح ستاره دار شدن دانشجویان از تحصیل محروم شده اند، تعدادی از اساتید مستقل و دگراندیش به اجبار بازنشسته شده اند، تعدادی از انجمن های اسلامی دانشگاهها و نشریات دانشجویی تعطیل شده و سه تن از دانشجویان دانشگاه امیر کبیر بیش از چهار ماهه نیم است که در زندان به سر می برند. سال تحصیلی گذشته با دومین سال ریاست جمهوری محمود احمدی نژاد مصادف بود. در این سال فشار بر دانشجویان و جامعه دانشگاهی تا جایی زیاد شد که بسیاری از فعالان دانشجویی اساتید، آن را انقلاب فرهنگی دوم خواندند.

در سال تحصیلی گذشته طرحی به نام طرح ستاره دار شدن دانشجویان اجرا شد. بر اساس این طرح، دانشجویانی که فعالیت های سیاسی داشتند، از تحصیل باز ماندند بسیاری از این دانشجویان از دانشجویان بگزیده ممتاز بودند در سال گذشته تعدادی از اساتید مستقل و دگراندیش از ادامه تدریس در دانشگاه ها منع شدند. ستاره دار شدن

کبیر مدتی پس از حضور محمود احمدی نژاد در این دانشگاه به اتهام توهین به مقدسات اسلام در نشریات دانشجویی بازداشت شدند سه تن از آنها، احسان منصور، احمد قصابان و مجید توکلی بیش از چهار ماه نیم است که در بازداشت بسر می بردند. این دانشجویان و فعالان دیگر دانشجویی در دانشگاه امیر کبیر می گویند الگوی نشریات جمع شده است و آنها هیچ ارتباطی به این نشریات نداشته اند. با وجود آغاز سال تحصیلی جدید، خبر خوشی از پرونده سه دانشجوی دانشگاه امیر کبیر به گوش نمی رسد و این مسأله خیلی تلخ است که در حالی که که سه سال تحصیلی جدید شروع می شود، سه تن از بهترین دانشجویان دانشگاه امیر کبیر منتخبین دانشجویان در انتخابات انجمن در دانشگاه حضور ندارند.

نظریه تطبیق دین و دموکراسی در چند کشور مسلمان و آمریکا

نظرسنجی اخیر موسسه گالوپ نشان می دهد که در چند کشور مسلمان و آمریکا، این نظر به صورت جدی دنبال می شود که می توان دین و دموکراسی را با هم تطبیق داد. برای مثال، ۶۶ درصد از مردم ایران و ۵۴ درصد از مردم اندونزی، در این نظرسنجی گفته اند که از اینکه قوانین شرعی اسلام، یکی از منابع قانونگذاری باشند، حمایت می کنند.

رقم حامیان اینکه شریعت از منابع قانونگذاری باشد، در پاکستان و مصر بالاست. در مصر ۶۷ درصد و در پاکستان، ۵۹ درصد با این نظر موافق هستند. در مقام مقایسه، می توان گفت که تقریباً نیمی از آمریکایی ها هم همین نظر را دارند.

در نظرسنجی گالوپ، حدود ۴۶ درصد مردم آمریکا گفته اند که بهتر است، انجیل یکی از منابع قانونگذاری باشد، حدود ۹ درصد از آمریکایی ها هم گفته اند که انجیل باید قطعاً یکی از منابع قانونگذاری باشد.

اما در مورد نقش رهبران مذهبی نیز، این نظرسنجی نشان می دهد که بیشتر مردم شش ملت مسلمان و شهروندان آمریکایی، معتقدند که باید رهبران مذهبی، در امر قانونگذاری حضور فعال داشته باشند. در آمریکا ۶۵ درصد و در ایران ۵۶ درصد پاسخ داده اند که از حضور رهبران دینی و مذهبی در امر قانونگذاری، حمایت می کنند و موافق آن هستند.

در کشورهای که این نظرسنجی انجام شده، اکثریت گفته اند که دین، از ضروریات زندگی می دانند و در ایران ۷۴ درصد و در آمریکا ۶۸ درصد است.

مجازات زندانی و شلاق برای پنج فعال کارگر در سقز

دادگاه رژیم آخوندی در شهر سقز پنج فعال کارگری را به ۹۱ روز زندانی و ۴۰ ضربه شلاق یا سه سال تعلیق محکوم کرده است. پنج فعال کارگری که عبارتند از عطا حسینی، رحیم حسینی، کاوه حکیمی، خالد بینخالی و انور حسین زاده در اوایل سال جاری در اعتراض به بازداشت محمود صالحی بنیانگذار انجمن صنفی کارگردان خباز سقز. محضن کردند که توسط نیروهای امنیتی رژیم دستگیر شدند. طبق کیفرخواست صادرشده به شماره ۱۸۵ از دادرسی رژیم در سقز آنان به اتهام تجمع غیرقانونی، بزهکار شناخته شده اند و به استناد ماده ۶۱۸ قانون رژیم هرکدام از آنها به سه ماه و یک روز حبس تعزیری و ۴۰ ضربه شلاق یا سه سال تعلیق محکوم شده اند. همچنین دادگاه رژیم به استناد ماده ۲۹ قانون مجازات به اصطلاح اسلامی عنوان کرده است که این پنج نفر در طول این سه سال باید از معاشرت با افرادی که آنها سابقه دار نامیده است و همچنین ترك واجب و انجام محرمات در ملاعام بپرهیزند و حسن معاشرت را رعایت کنند.

ممانعت رژیم از ثبت نام دانش آموزان و دانشجویان بهایی

سایت سازمان مجاهدین با منتشر کردن خبر ممانعت رژیم از ثبت نام دانش آموزان و دانشجویان بهایی، نوشت، بنا به گزارشها سردمداران رژیم در آذربایجان غربی و شرقی و همچنین استانهای اردبیل، همدان، تهران و کرمانشاه مانع ثبت نام دانش آموزان و دانشجویان بهایی می شوند. طبق گزارش، این تبعیض تنها به حقوق شهروندی زندگان محدود نمی شود و اگر از هموطنان بهایی کسی فوت کند اجازه دفن وی را در گورستان عمومی نمی دهند. بنا به این گزارش در مهاباد، بهایی ها مجبورند بستگان فوت شده خود را به روستایی دور افتاده به نام تلخاب انتقال دهند و در آنجا دفن کنند.

حکام کمونیست در امریکای جنوبی هم پیمانی و اتحاد دارد. ارتباط میان رژیم قرون وسطایی و آخوندی با حکومتهای مخالف دوستی نظام مذهبی و مخالفت با ادیان سماوی در امریکای جنوبی به برادری (موش و وگربه) شباهت دارد. روشن است آخوندها اگر از مذهب و اسلام سخن می گویند تنها برای فریب و تعقیب اهدافشان می باشد وگرنه برادری میان اسلام و مخالفان اسلام باهم همخوانی ندارد. خینی حکم ترور و اعدام سلمان رشدی را صادر کرد تا از آن به نفع حاکمیتش استفاده کند و با آن بهانه که نامبرده و به پیغمبر اسلام بی احترامی کرده است.

سردمداران رژیم در برابر هر روزنامه خارجی که بحثی در مخالفت با اسلام در آن درج گردد. فوراً موضع می گیرند. آنهم نه اینکه از اسلام دفاع می کنند بلکه برای مصرف تبلیغات و برای اهداف کثیف شان و فریب می باشد. رژیم آخوندی با حکومتهایی همپیمان می شود که افکار ومواضع و گفتارشان مخالفت با اسلام و تمامی ادیان می باشد. با دلایلی که در ابتدا ذکر کردیم این حقیقت روشن می گردد که رژیم آخوندی پایبند هیچ اصول و فکر و دینی نمی باشد مشخص می گردد آنچه آخوندها می خواهند و به آن اهمیت می دهند و از تمامی مرزها به آن منظور گذر می کنند و تمامی عادات تقلید را پایمال می کنند تنها ادامه حیاط حاکمیت سرکوبگرانه ضد انسانی و ضد اسلامیشان می باشد.

نگاهی به مناسبات رژیم آخوندی و حکومتهای چپ در امریکای جنوبی



حتی شیعیانی که با تفکرات آخوندها مخالفند، برخورد میکنند. پایمال کردن حقوق اقلیتهای مذهبی و دینی. دلیلی بر این واقعیت است که رژیم آخوندی توان خود را در سرکوب و قلع و دگراندیشان و کسانی که سیاست آخوندها را تأیید نمیکنند، بکار میبرد. حال این سوال مطرح می شود که آیا نقاط مشترک میان رژیم مخالف با امریکاست، ادعاهای رژیم در مورد حکومت اسلامی زیر سوال نگیرد. رژیمی که ادعای رهبری جهان اسلام را می کند، حال چگونه، با رژیمهای مخالف عقاید اسلامی و دینی دوستی و هم پیمانی میکنند؟

رژیمی که با رهروان هرگونه تفکر و مذهب و ادیان در داخل ایران برخورد ضد انسانی دارد، چگونه است با

مذهبی افراطی است، که شاری از آخوندهای دگم و سرکوبگر، قدرت را به دست گرفته و حاکمیتی عقب مانده و قرون وسطایی به دور از هر نوع آزادی را به مرم تحمیل کرده اند، حتی اعمالی که تحت نام اسلام انجام می دهند، در تضاد تمام با دستورات اسلام می باشد. در قاموس آخوندها کسانی که افکاری مخالف تفکرات آنها داشته باشد جای ندارند و دگراندیشان مورد تهاجم قرار می گیرند و جهان را بر آنها تنگ می کنند. آخوندها ندای حکومت اسلامی و حاکمیت عدل علی را سر می دهند، اما آنچه که به آن اعتقاد ندارند اسلام و عدالت است. سند بر این واقعیت بی احترامی به مسلمانان سنی، بی احترامی به مسیحیان و یهودیان در ایران می باشد که این خود مخالف دستورات اسلام است،

بعد از شرکت محمود احمدی نژاد رئیس جمهور رژیم آخوندی در شصت و دومین جلسه مجمع عمومی سازمان ملل متحد، وی به کشورهای ونزوئلا و بولیوی رفت و از سوی هوگو چاوز نخست وزیر ونزوئلا و اوو مورالیس رئیس جمهور بولیوی مورد استقبال قرار گرفت. سفر احمدی نژاد به این دو کشور به دنبال سخنان وی در سازمان ملل متحد و مصاحبه با مطبوعات آمریکا انجام گرفت. اگرچه احمدی نژاد تلاش کرد چهره های معتدلتر در مقابل آمریکا از خود نشان دهد و در این راستا خصمانه بودن ارتباط با آمریکا را به گردن دولت آن کشور اندازد. با این ملایمت به ظاهر در صدد برآمد چهره ستیزجویانه خود را مخفی کرده تا با وقوع هر رودر رو شدن احتمالی، و آمریکا متهم گردد. اما با سفر به ونزوئلا و بولیوی گمانها در مورد سیاستهای آشوبگرانه رژیم آخوندی پایان یافت و بار دیگر ماهیت جنگ افروزانه و رفتار خصمانه رژیم و سردمدارانش برملا شد و معلوم گردید مناسبات رژیم با کشورهای آمریکای جنوبی در راستای مخالفت با سیاستهای ایالات متحده آمریکا می باشد. احمدی نژاد در دیدار با هوگو چاوز، آمریکا را مورد حمله قرار داد و سخنان خود، در مجمع عمومی سازمان ملل متحد در نیویورک را که ژست اعتدال داشت، فراموش کرد. برای همه روشن است که رژیم ایران نظامی